

چهارشنبه 29 آبان 1398 - 22 ربیع الاول 1441 - 20 نوامبر 2019

الحاق ایران به پیمان استعماری بغداد موسوم به "سنتو" (1334 ش)



الحاق ایران به پیمان استعماری بغداد موسوم به "سنتو" (1334 ش)، کنفرانس کشورهای عضو پیمان بغداد با شرکت نخست‌وزیران ایران، ترکیه، عراق، پاکستان و انگلستان و با حضور وزیر امور خارجه آمریکا در بغداد به ریاست نوری سعید، نخست‌وزیر عراق برگزار شد. در این کنفرانس، پیمان سنتو منعقد شد که این پیمان در اصل به منظور جلوگیری از نشر کمونیسم به کشورهای مجاور شوروی بود. چند روز قبل از این که حسین علاء نخست وزیر ایران برای شرکت در نخستین اجلاس پیمان بغداد عازم عراق شود، مورد سوء قصد یکی از اعضای سازمان فدائیان اسلام با نام مظفر ذوالقدر قرار گرفته و از ناحیه سر مجروح شده بود. اما به رغم این سوء قصد، علاء مسافرت خود را انجام داد و در کنفرانس بغداد شرکت نمود. این سوء قصد، نارضایتی افکار عمومی ایران را از شرکت در این دسته بندی نظامی به نفع غرب، نشان می‌داد. سرانجام پس از پیروزی انقلاب اسلامی، ایران از عضویت این پیمان استعماری خارج شد و سنتو عملاً منحل گردید.

آغاز هفته بسیج
نام بسیج یادآور خاطره عزیزترین نهاد و بزرگترین مردان تاریخ ما است. نهادی که به تعبیر امام راحل تشکیل آن «یقیناً از برکات و الطاف جلیه خداوند تعالی بود.» و «شجره طیبه و درخت تناور و پرثمری است که شکوفه های آن بوی بهار وصل و طراوت یقین و حدیث عشق می دهد. بسیج مدرسه عشق و مکتب شاهدان و شهیدان گمنامی است که پیروانش بر گلدسته های رفیع آن، اذان رشادت و شهادت سرداده اند. بسیج میقات پا برهنگان و معراج اندیشه پاک اسلامی است که تربیت یافتگان آن نام و نشان در گمنامی و بی نشانی گرفته اند. بسیج لشکر مخلص خدا است که دفتر تشکیل آن را همه مجاهدان، از اولین تا آخرین امضا نمودند.»

آغاز عملیات عملیات نص ۸ (1366 ش)،
شرح عملیات نیروها با حرکت از محورهای مختلف پس از 5 الی 8 ساعت راهپیمایی، در نزدیکی مواضع دشمن استقرار یافته و به انتظار فرمان آغاز عملیات نشستند. سرانجام عملیات در ساعت 01:16 بامداد 1366/8/29 با رمز مبارک یا محمد بن عبدالله، ادرکنی آغاز شد و یگان های عملیاتی به طور هماهنگ و هم زمان به مواضع دشمن یورش بردند و پس از يك ساعت موفق شدند قتل 1424، 1426 (قله اول)، 1418 (قله دوم) و 1391 (قله سوم) و قرارگاه تاکتیکی تیپ 39 را تصرف کنند. از ساعت 5 صبح، دشمن با بکارگیری عناصر باقیمانده از تیپ 39 پاتک کرده و توانست یکی از یگان های خودی را حدود 300 متر عقب براند. با روشن شدن آسمان، پاتک دوم عراق نیز شروع شد که با مقاومت قوای خودی سرکوب گردید. پس از آن، هیچ تحرک موثر و مهمی از دشمن در طول روز اول مشاهده نشد. در شب دوم، نیروهای خودی مجدداً وارد عمل شده و سه قله دیگر گرده رش را تصرف کرده و در نهایت موفق شدند به طور کامل این ارتفاع را در اختیار بگیرند. دشمن که ارتفاع گرده رش را از دست داده بود، از روز سوم عملیات شروع به پاتک برای بازپس گیری این ارتفاع کرد که هر يك از آن ها با مقاومت طرف مقابل خنثی شد. از تاریخ 1366/9/2 نیروهای اتحاد میهنی کردستان عراق روی ارتفاع ویولان وارد عمل شد. این اقدام موجب شد دشمن توجه خود را به آن محور معطوف نماید و پس از دو روز درگیری آن ها را به عقب براند. يك ساعت پس از شروع حمله، در همان تاریکی شب، سه قله حیاتی و مهم منطقه را آزاد و مقر قرارگاه تاکتیکی تیپ 39 و گردان يك این تیپ را در اختیار گرفتند. تنها مقر گردان 2 این تیپ در ادامه یال شمالی کوه گرده رش همچنان در دست دشمن باقی ماند که آن هم در شب دوم و در مرحله پایانی عملیات آزاد شد. با پاتکهای يك هفته ای، دشمن نتوانست نیروهای ایرانی را به عقب براند و این نقاط حساس را دوباره در دست بگیرد. از این رو با تثبیت خطوط خودی، شرایط برای انجام عملیات «بیت المقدس 2» در بدترین وضعیت جو ی زمستان و در زیر بارش برف و با وجود سرمای کشنده کردستان مهیا شد. در این عملیات دو روزه علاوه بر گرفتن جای پا و سرپل در آنسوی رودخانه قلعه چولان و آزادسازی شهرماووت، 4 روستا نیز آزاد و چندین دستگاه تانک و نفربر زرهی، ده هادستگاه خودروی نظامی، انواع ماشین های مهندسی و راه سازی، چندین قبضه آتشبار توپخانه و شماری انبار مهمات منهدم و 4 تیپ پیاده، 3 گردان توپخانه، 2 گردان کماندویی و 1 گروهان تانک ارتش عراق نیز متلاشی شد. و بیش از 2200 تن از نیروهای دشمن کشته و زخمی شدند و یا به اسارت درآمدند. همچنین چند دستگاه تانک، يك دستگاه رادار «رازیت» و مقداری سلاح و مهمات به غنیمت رزمندگان اسلام درآمد.

شهادت "شیخ خلیفه مازندرانی"، هجرت حضرت سیدالان‏:خاسان توسط مغولان (736 ق)،
شیخ خلیفه مردی پاکیزه روزگار بود از اهالی مازندران که چندی را در نزد شیخ بالو زاهد املی هم قریه خود که از اقطاب مازنداران بشمار می رفت، تلمذ و شاگردی کرد، اما چون آنچه را که به دنبالش بود در محضر ایشان نیافت، تصمیم گرفت تا به محضر شیوخ و عرفای دیگر بشتابد. در این ایام شیخ رکن الدین علاء الدوله سمنانی جزو شیوخ بزرگ زمان خود بود. لذا شیخ به محضرش شتافت تا گمشده خود را در کنار او بیابد. لیکن آنچه را که می جست در محضر او نیز نیافت. چنانکه روزی شیخ علاء از وی پرسید: «به کدام مذهب از مذاهب اربعه معتقدي» و شیخ خلیفه جواب داد «ای شیخ آنچه من می طلبم از این مذهب ها بالاتر است.» و همین جواب کافی بود تا از محضر شیخ علاء الدوله سمنانی نیز

آغاز محاکمه، هیران جنایت‌کار، جنگ جهانی دوم در دادگاه "نن-نگ" (1945م) با فروکش کردن آتش جنگ جهانی دوم در دنیا، بزرگ‌ترین دادرسی مربوط به جنایت‌کاران جنگی از روز بیستم نوامبر سال 1945م در شهر نورنبرگ آلمان آغاز به کار کرد. مقررات مربوط به تشکیل این دادگاه، قبلاً از طرف سران سه کشور فاتح، شامل آمریکا، انگلیس و شوروی سابق تعیین گردید و مقرر شده بود که اعضای هیأت قضات از مقامات عالی رتبه قضایی چهار کشور اشغال‌کننده آلمان یعنی آمریکا، انگلیس، شوروی و فرانسه تعیین شوند. رسیدگی به جرایم 22 نفر از رهبران آلمان هیتلری که بیشتر آن‌ها به جنایت علیه بشریت و مشارکت در توطئه بر ضد صلح و جنایات جنگی متهم شده بودند، بیش از ده ماه به طول انجامید. دادگاه سرانجام در روز اول اکتبر سال 1946م، دوازده تن از آنان را به اعدام و هفت نفر دیگر را به حبس ابد محکوم کرد. سه نفر باقی‌مانده را که در اواخر حکومت هیتلر، مصدر کاری نبودند تبرئه نمود. البته در این دادگاه، علاوه بر جنایت‌کاران نازی، متهمانی از دیگر کشورها نیز محکوم شدند. تقاضای تخفیف مجازات محکومیت از طرف شورایی عالی متفقین برای نظارت بر امور آلمان رد شد و احکام صادر و در نهایت، در روز 16 اکتبر 1946م به اجرا درآمد.

مگ "لئو تولستوی" نویسنده بلندآوازه روسیه، (1910م) لئو تولستوی، نویسنده شهیر روسی در نهم سپتامبر سال 1828 در روسیه به دنیا آمد. از نوجوانی استعداد درخشان و هوش سرشارش، معلمان را به تعجب و امی داشت. لئون در جوانی وارد ارتش شد ولی پس از مدتی به نویسندگی روی آورد و به آموختن زبان‌های فرانسه و یونانی همت گماشت. تولستوی در میانسالی، از زندگی احساس نارضایتی می‌کرد و تردید در زندگی در قلب او ریشه می‌دوانید. او مدام در جستجوی زندگی بود، در معنای مسیحیت سیر می‌کرد و سرانجام به این نتیجه رسید که انجیل، خطاها و تحریفات بسیار دارد اما منکر معنای اصلی مسیحیت، نشد. از این رو بیست سال آخر عمر تولستوی برای حکومت روس در دسر به حساب می‌آمد، او را تحت نظر قرار داده و بیشتر آثارش را ممنوع کردند. هم‌چنین یک کلیسا وی را در 72 سالگی تکفیر کرد. وی در قحطی سال 1891م با دریافت کمک‌های انسانی به یاری مردم شتافت و در اواخر عمر، چنان بلندآوازه شد که تقریباً همه دنیا او را می‌شناختند و به آثار و شخصیتش ارج فراوان می‌نهادند تا جایی که مهاتما گاندی رهبر هند طی نامه‌ای به تولستوی، خود را خاکسار تولستوی خواند. تولستوی در سال‌های پایانی عمر خود، تزار دوم لقب گرفته بود، زیرا حکومت بیم داشت که حتی کوچک‌ترین تعرضی به او بکند. او در روسیه به استثنای تزار، یگانه کسی بود که می‌توانست هر چه دلش می‌خواست بگوید و در امان باشد. او این آزادی را با قدرت قلمش و با نمونه‌وار زیستش به دست آورده بود. تولستوی عالی‌ترین نمایشگر روح ملت روس به شمار می‌رود. او همانند یک دانشمند الهیات و معتقد به اصول اخلاقی در جستجوی مرام دوستی پاک و بی‌آلایش بود که در مسیحیت اولیه وجود داشت. تولستوی در میان رفاه و ثروت و شهرت، شکاکیتی در دل داشت و تحولی را در دلش ایجاد کرد که آیین تولستوی نتیجه آن بود. این آیین مبتنی بر عشق مسیحی و متضمن اصل عدم مقاومت در برابر شر است. تولستوی که آمیخته‌ای از خصوصیت‌های متناقض بود و نمی‌توانست زندگی را با اندیشه‌های خویش وفق دهد در مورد مذهب به تغییر عقیده رسید و به ارتدوکس گروید. وی در کتاب اعتراف، سرخوردگی پیاپی خود را از زندگی آمیخته به لذت، مذهب قراردادی و علم و فلسفه بیان می‌کند. با این حال تولستوی اعلام کرد که دیگر برای پرستندگان، زمان آن فرا رسیده است که دست از آداب ظاهری و قشری بردارند و به حقیقت و راستی بپردازند. وی خواهان خدمت متقابل، مساوات اجتماعی و کوشش مشترک برای از بین بردن ول‌خرجی‌ها و زیاده‌روی توانگران و مسکنت و رنج بی‌نویان بود که این، مذهب واقعی اوست. شهرت و بقای تولستوی به سبب داستان‌هایش بود. عظمت کتاب جنگ و صلح او، علاوه بر وسعت موضوع و کمال هنرمندی، در بیان نکته‌های فلسفی و اخلاقی موجود در آن نهفته است. تولستوی در این اثر به شیوه‌ای بسیار کامل، حوادث اساسی زندگی از تولد، بلوغ و ازدواج تا کهولت، مرگ و نیز جنگ و صلح را مورد توجه قرار داده است و به همین دلیل از طرف منتقدان به عنوان حماسه‌ای بزرگ مورد ستایش قرار گرفته است. اگر چه داستان‌ها و کتاب‌های تولستوی با ستایش و پیروزی همراه گشت، با این حال وی معتقد بود هنر دروغی بیش نیست و من دیگر نمی‌توانم این دروغ زیبا را دوست داشته باشم. تولستوی به سبب ترسیم دنیای معاصر و معرفتش درباره عالم محسوس و ملموس و توجهش به مسائل انسانی و هنر داستان‌نویسی، مرد بزرگ و رمان‌نویس برجسته و ممتاز روسیه در قرن نوزدهم به شمار می‌آید. علاوه بر جنگ و صلح، از تولستوی آثار متعددی به یادگار مانده که هنر چیست، حاجی مراد و تاریخ دیروز... از آن جمله است. لئو تولستوی سرانجام در بیستم نوامبر 1910 م در حالی که خانه را ترک کرده بود، همانند بی‌ناترین افراد، در بی‌خانمانی و سرگردانی در 85 سالگی درگذشت.

شهادت "عبداللّٰه قسّام"، مجاهد و مبارز ضد صهیونیستی، (1935م) شیخ عزالدین قسام یکی از رهبران برجسته نهضت اسلامی فلسطین در نیمه اول قرن بیستم به شمار می‌رود که دارای قدرت و نفوذ فوق العاده‌ای در بین مردم مسلمان عرب خاورمیانه بود. او در دانشگاه الازهر مصر تحصیل کرد و مدتی نیز به عنوان یکی از وکلای شهر لاذقیّه واقع در غرب سوریه به کار پرداخت. قسّام که از روحانیان فاضل و از دانشمندان فلسطین محسوب می‌شد، در بحبوه انتقال سیل‌آسای یهودیان اروپا به فلسطین اشغالی در دهه 1930م که توسط گروه‌های تروریستی یهودی و با همکاری موثر نیروهای استعمارگر بریتانیا صورت می‌گرفت، قیام اسلامی و مسلحانه خود را علیه صهیونیست‌ها و انگلیسی‌ها آغاز کرد.

همزمان با این مهاجرت‌ها که ظاهراً بر اثر سیاست‌های ضدیهودی نازی‌ها در اروپا و در واقع برای تشکیل رژیم صهیونیستی در فلسطین روی می‌داد، گروه‌های تروریستی یهود با انجام اعمال تروریستی علیه سکنه مسلمان و عرب فلسطین، به دنبال فراری دادن اعراب فلسطینی و جای‌گزین کردن یهودیان تازه وارد بودند. در این میان، قیام مردمی عزالدین قسام، به سرعت وارد مرحله مسلحانه گردید و ضربات متعددی را بر پیکر مهاجران صهیونیست وارد آورد. قیام عزالدین قسام از جانب هیچ یک از رهبران عرب آن روز مورد حمایت قرار نگرفت. در نهایت، صهیونیست‌ها با همکاری استعمارگاران انگلیسی در توطئه‌ای مشترک، در صدد قتل عزالدین قسام برآمدند. سرانجام شیخ عزالدین قسام که در این سال‌ها بزرگ‌ترین قیام اسلامی ملت فلسطین را رهبری می‌کرد در 20 دسامبر 1935م در نبردی نابرابر به شهادت رسید.

خارج شود و به دامن شیخی دیگر از شیوخ زمان یعنی خواجه غیاث الدین هبه الله حموی در بحر آباد جوبین بشتابد. لیکن در بحرآباد نیز به خواسته خود نرسید و لذا رخت سفر بر بست و در سبزوار اقامت گزید. سبزوار در این ایام مأمن شیعیان اثنی عشری بود. سکنی گزیدن شیخ خلیفه در مسجد جامع سبزوار و تعالیم او در مسجد باعث گرد آوری افراد زیادی در اطراف او گشت که به تبع پیرو و مرید او شدند. بدین ترتیب آوازه شهرتش در اطراف و اکناف پیچیده و صاحبان قدرت را به وحشت انداخت. بالاخره علمای درباری که دست در دست حکام داشتند فتوایی صادر کردند با این مضمون که شخصی در مسجد ساکن است و حدیث دنیا می‌گوید و چون منعش می‌کنند، منجر نمی‌شود و اصرار می‌نماید. این چنین کس واجب القتل است یا نه» و اکثر فقهای رسمی زمان فتوی دادند که «باشد». پس از مرگ شیخ خلیفه مازندرانی، یارانش به ویژه یکی از شاگردانش به نام شیخ حسن جوری دست از مبارزه علیه مغولان و عمال سرسپرده آنها برداشت و نهضت شیعی سرمداران را بنیانگذاری کرد. شیخ خلیفه مازندرانی در واقع رهبر روحانی و معنوی نهضت سرمداران محسوب می‌شد.